

## **The impact of the imposed war on the Regional Power of I.R.Iran: 1980-2001**



**Amir-hossein Vazirian\***  
**Abolfazl Shakoori\*\***

Received: 2019/04/05  
Accepted: 2020/08/31

In the years following the revolution, the Islamic Republic of Iran, because of its unique geographical location, the high legitimacy of the political system, the adoption of a universal Islamic identity, and the potential for regional leadership in a more favorable position than the Pahlavi Regime. But the outbreak of the imposed war and its inevitable consequences influenced Iran's Regional Policy. The negative consequences of the war led to a decline in Iran's activism prior to the regional developments following the events of September 11, 2001. The main question of the present article is what was the most important effect of the war imposed by Iraq on the regional power of Iran? This research has been done with a descriptive-analytical approach and for data analysis, the method of baseline theory analysis (regional power theory) has been used. Findings show that at the international level, increasing the structural pressure of the international system and at the domestic level, the erosion of power sources (economic and military) have effects that have weakened the regional power of Iran. In a way that its reflection can be seen in weakening the Play a triple role of regional leadership, Custodianship and protection.

**Keywords:** I.R.Iran, Imposed war, Iraq, Regional leadership, Regional power, United State of America.

---

\* PhD in Political Science, Tarbiat Modares University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).  
vazirian.amir@gmail.com  0000-0003-1955-7557  
\*\* Associate Professor of Political Science, Tarbiat Modares University, Tehran, I.R.Iran.  
a.shakoori@modares.ac.ir  0000-0003-0737-1579

دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، سال شانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۲)، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص. ۶۹۷-۷۲۴

## تأثیر جنگ تحمیلی بر قدرت منطقه‌ای ایران: ۱۳۸۰-۱۳۵۹

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰

مقاله برای بازنگری به مدت ۶۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

امیرحسین وزیریان\*

ابوالفضل شکوری\*\*


### چکیده

جمهوری اسلامی ایران در سال‌های پس از انقلاب به دلیل موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد، مشروعیت بالای نظام سیاسی، اتخاذ هویت جهانشمول اسلامی و ظرفیت بالقوه برای رهبری منطقه‌ای، در موقعیت مطلوب‌تری نسبت به حکومت پهلوی به سر می‌برد. اما وقوع جنگ تحمیلی و تبعات گریزناپذیر آن بر سیاست منطقه‌ای ایران تأثیر نهاد. پیامدهای منفی جنگ به کاهش کنش‌گری ایران تا قبل از تحولات منطقه‌ای ناشی از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ منجر شد. پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که مهم‌ترین تأثیر جنگ تحمیلی از سوی عراق بر قدرت منطقه‌ای ایران چه بوده است؟ این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی به انجام رسیده و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل نظریه مبنا (نظریه قدرت منطقه‌ای) استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در سطح بین‌المللی، افزایش فشار ساختاری نظام بین‌الملل و در سطح داخلی فرسایش منابع قدرت (اقتصادی و نظامی) تأثیراتی بوده که تضعیف قدرت منطقه‌ای ایران را در پی داشته است. به گونه‌ای که بازتاب آن را می‌توان در تضعیف ایفای نقش‌های سه‌گانه رهبری، پاسداری و پشتیبانی منطقه‌ای مشاهده کرد.

واژگان کلیدی: ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران، جنگ تحمیلی، رهبری منطقه‌ای، عراق، قدرت منطقه‌ای.


\* دکتری رشته علوم سیاسی، مسائل ایران، دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

vazirian.amir@gmail.com

 0000-0003-1955-7557

\*\* دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

a.shakoori@modares.ac.ir

 0000-0003-0737-1579

## مقدمه

**بیان مسئله:** ضدیت کشورهای غربی و متحدان منطقه‌ای آنها با ماهیت انقلاب اسلامی منجر به حمله رژیم بعث عراق به ایران شد. این جنگ علی‌رغم دلاوری‌های رزمندگان، مقاومت حداکثری مردم و داشتن برکاتی همچون خودکفایی نظامی؛ پیامدهای سنگین جانی، اقتصادی و نظامی بر جای نهاد که تفکر راهبردی و برنامه‌های اجرایی ایران را تحت تأثیر قرارداد (Tabatabai & Samuel, 2017, p.153). از جمله مهمترین مسائل مرتبط با این جنگ می‌توان به تأثیر آن بر موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران اشاره داشت که به عنوان مسئله پژوهش حاضر مطرح است.

**اهمیت:** این پژوهش به دلیل توجه به موضوع راهبردی «قدرت منطقه‌ای» دارای اهمیت کاربردی است. چرا که با شناخت راهبردهای دشمنان نظام جمهوری اسلامی و بهره‌گیری از تجارب تاریخی، می‌توان در عرصه سیاست خارجی تصمیم‌های کارآمدتری اتخاذ کرد. **ضرورت:** از آنجا که در شرایط کنونی ایالات متحده با اتخاذ سیاست فشار حداکثری در صدد مهار و تضعیف نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی برآمده؛ شناخت تجارب مشابه گذشته و بهره‌گیری از آنها می‌تواند به برون‌رفت از این شرایط یاری رساند. بنابراین پژوهش دارای ضرورت کاربردی است.

**اهداف:** تقویت سیاست‌های منطقه‌ای ایران، از طریق طرح، تحلیل و نقد الگوی عملکرد «قدرت‌های منطقه‌ای»، هدف اصلی این پژوهش را شکل می‌دهد. تبیین دشواری‌های پیش روی ایران در نیل به جایگاه اول منطقه، و کمک به شناسایی کانون‌های تهدیدآمیز خارجی، در زمره اهداف فرعی تحقیق هستند.

**سؤال‌ها و فرضیه:** سؤال اصلی پژوهش این است: مهمترین تأثیرهای جنگ تحمیلی بر قدرت منطقه‌ای ایران، در دو سطح داخلی و خارجی چه بوده است؟ در همین ارتباط پرسش از مؤلفه‌های قدرت منطقه‌ای، چیستی پیامدهای جنگ تحمیلی، و بالاخره ارزیابی عملکرد منطقه‌ای ایران، به عنوان سؤال‌های فرعی مطرح شده‌اند. این تحقیق فرضیه‌آزما نمی‌باشد.

**روش پژوهش:** پژوهش حاضر از نوع کاربردی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی است. جهت گردآوری داده‌ها از تکنیک اسنادی استفاده شده و برای تحلیل داده‌ها و کشف

روابط میان آنها؛ محقق در بخش مبانی نظری، الگویی را بر بنیاد نقد نظریه‌های قدرت منطقه‌ای طراحی نموده است. برای این منظور گام‌های زیر برداشته شده است:

- اول. بررسی تحلیلی نظریه‌های مرتبط با قدرت منطقه‌ای؛
- دوم. شناسایی عوامل مؤثر بر قدرت منطقه‌ای؛
- سوم. ترکیب عوامل تأثیرگذار و ارایه نظریه منتخب؛
- چهارم. طراحی الگوی تحلیل بر اساس نظریه انتخاب شده؛
- پنجم. تحلیل داده‌ها در قالب الگوی تحلیل.

### ۱. پیشینه پژوهش

در ارتباط با جنگ تحمیلی و سیاست منطقه‌ای ایران منابع متعددی نگاشته شده که از با توجه به موضوع مورد تحلیل، می‌توان آنها را به دو دسته اصلی تقسیم نمود:

#### ۱-۱. تحلیل ابعاد جنگ تحمیلی

در این دسته از پژوهش‌ها ابعاد مختلف جنگ تحمیلی و نتایج حاصل از آن برای ایران بحث شده است. برای مثال حیات مقدم و دیگران (۱۳۹۸)، هیرو (۱۳۹۱)، درودیان (۱۳۹۱) کوردزمن و واگنر (۱۳۹۱) از بعد سیاسی و نظامی؛ حاجی یوسفی (۱۳۹۲) و متقی (۱۳۸۸) از بعد نظام بین‌الملل جنگ تحمیلی را تحلیل نموده‌اند. افزون بر آن پژوهش‌های شریعتی و غفاری (۲۰۱۹)، قسیمی (۱۳۹۶)، دژپسند و رؤفی (۱۳۸۷) از نمونه‌های تحلیل اقتصادی جنگ تحمیلی به شمار می‌روند. چنان که ملاحظه می‌شود این آثار به دلیل عدم توجه به موضوع سیاست و جایگاه منطقه‌ای ایران، از تحقیق حاضر متمایز می‌شوند.

#### ۲-۱. تحلیل سیاست منطقه‌ای ایران و جنگ تحمیلی

از جمله پژوهش‌هایی که به تحلیل سیاست منطقه‌ای ایران پرداخته‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: احتشامی (۱۳۹۶)، فولادی (۱۳۹۵)، هینه‌بوش (۱۳۹۰)، اسدی (۱۳۸۷) و حاجی یوسفی (۱۳۸۴). حلقه مفقوده این پژوهش‌ها که موجب نگارش مقاله حاضر شده، عدم ورود ایشان به موضوع ارتباط این دو متغیر با یکدیگر و تأثیر آن بر جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تا قبل از تحولات منطقه‌ای ناشی از حوادث

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ است. بر این اساس وجه تمایز و نوآوری این مقاله در این است که: اولاً. موضوع قدرت منطقه‌ای ایران در کانون پژوهش حاضر است. ثانیاً. بر بازتاب جنگ تحمیلی بر سیاست منطقه‌ای ایران، متمرکز است.

## ۲. چارچوب مفهومی و نظری قدرت منطقه‌ای

### ۲-۱. چستی قدرت منطقه‌ای

ماهیت قدرت‌های منطقه‌ای بر اساس جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل مشخص می‌شود که این مسئله خود تحت تأثیر مفهوم قطبیت<sup>۱</sup> و توزیع قدرت<sup>۲</sup> در نظام بین‌الملل است (گریفتس، ۱۳۸۸، ص. ۷۴۶). بر این اساس هر کشوری متناسب با میزان قدرت خود با مفاهیمی چون ابرقدرت، قدرت بزرگ، قدرت منطقه‌ای و قدرت‌های کوچک تعریف می‌شود. کوهن<sup>۳</sup> قدرت منطقه‌ای را در رده دوم سلسله مراتب قدرت در نظام بین‌الملل قرار داده و معتقد است قدرت‌های منطقه‌ای تلاش می‌کنند خود را به عنوان مرکز منطقه مطرح کنند؛ نفوذ نظامی در منطقه داشته باشند، و خواست‌های برتری‌جویانه‌ای در کل منطقه دارند (کوهن، ۱۳۸۷، صص. ۱۰۷-۱۰۳). برخی نیز معتقدند که قدرت منطقه‌ای دارای چهار مشخصه هستند: به لحاظ جغرافیایی در بخشی از منطقه معینی قرار می‌گیرند، قادر به مقابله با هر گونه ائتلاف از سوی سایر دولت‌ها در منطقه می‌باشند، نفوذ زیادی در امور منطقه‌ای دارند و به واسطه اعتبار و منزلت منطقه‌ای ظرفیت تبدیل شدن به قدرت بزرگ در مقیاس جهانی را نیز دارند (Osterud, 1992, p.12). شاخص‌هایی مشابه از سوی دیگر نویسندگان نیز بیان شده است: ادعای رهبری منطقه‌ای، برخورداری از منابع ضروری قدرت، به کارگیری مناسب ابزارهای سیاست خارجی، و بالاخره پذیرش نقش رهبری توسط دولت‌های ثالث (Flemes, 2007, p.2-3). در مجموع سه مؤلفه تأثیرگذار اصلی در شناسایی قدرت‌های منطقه‌ای در تحقیق حاضر عبارتند از: اول، نحوه تعامل با نظام بین‌الملل؛ دوم، برخورداری از توانمندی‌های نسبی و منابع قدرت؛ و سوم، کنشگری فعال و اثرگذاری بر روند تحولات درون منطقه‌ای. بنابراین بازیگری قدرت منطقه‌ای محسوب می‌شود که اولاً. نظام بین‌الملل چالش کمتری با پذیرش آن به عنوان یک قدرت منطقه‌ای داشته باشد؛ ثانیاً. از منابع قدرت به عنوان شرط ضروری دستیابی به قدرت منطقه‌ای برخوردار باشد و ثالثاً. کارکرد منطقه‌ای داشته باشد (سلیمی و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۶).

## ۲-۲. الگوی تحلیل

در این پژوهش با اتخاذ سطوح تحلیل ترکیبی (شامل سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی) قدرت منطقه‌ای در سه سطح تحلیل می‌گردد:

### الف. سطح بین‌المللی

در سطح بین‌المللی پذیرش قدرت منطقه‌ای از سوی قدرت‌های بزرگ یا کاهش فشار ساختاری یکی از پیش‌شرط‌های توفیق یک قدرت منطقه‌ای است. از نظر واقع‌گرایی، نظام بین‌الملل یک ساختار سلسله‌مراتبی دارد که در رأس آن قدرت برتر قرار دارد و در هر یک از نظام‌های منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای، یک یا چند کشور در رأس هرم آن قرار دارند. نظام‌های منطقه‌ای در حاشیه سلسله‌مراتب قدرت جهانی قرار دارند و قدرت همون نظام بین‌الملل و سایر قدرت‌های بزرگ می‌توانند در نظام‌های منطقه‌ای مداخله کرده و اگر وضع موجود در جایی مطابق با ترجیحات آنان و یا منطبق بر الگوی توزیع قدرت جهانی در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی نباشد، آن را تغییر دهند (Lemke, 2002, p.54). بر این اساس یکی از دلایل عدم توفیق قدرت‌های منطقه‌ای سنگ‌اندازی کشورهای صنعتی و به خصوص ایالات متحده است. به این معنا که در صورت هماهنگ نبودن منافع قدرت‌های منطقه‌ای با رأس هرم نظام بین‌الملل، قدرت‌های جهانی می‌کوشند با بهره‌گیری از دو ابزار تهدید و اجبار خواسته خود را بر سایر کشورها و مناطق تحمیل کنند (Huntington, 1999, p.66).

### ب. سطح داخلی

در سطح داخلی داشتن منابع مادی قدرت یکی از پیش‌شرط‌های قدرت منطقه‌ای است. کارکرد این منابع که با عنوان مؤلفه‌های قدرت ملی شناخته می‌شوند، این است که هر چه کشوری از قدرت ملی بالاتری برخوردار باشد برای تحقق منافع و اهداف ملی خود: اولاً، موانع کمتری در پیش دارد و ثانیاً، تأمین، حفاظت و بسط منافع ملی گسترش می‌یابد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴، ص. ۲۵۲). با این توضیح مشخص می‌شود که از منظر مکتب واقع‌گرایی، قدرت مادی و بطور مشخص میزان قدرت نظامی کشور، در تعریف قدرت منطقه‌ای و تحقق خارجی آن تأثیر دارد (Mearsheimer, 2001, p.56). اما واقعیت آن است که قدرت نظامی نیز ریشه در قدرت اقتصادی دارد. لذا بدیهی است که فرسایش منابع مادی قدرت به تضعیف موقعیت منطقه‌ای می‌انجامد.

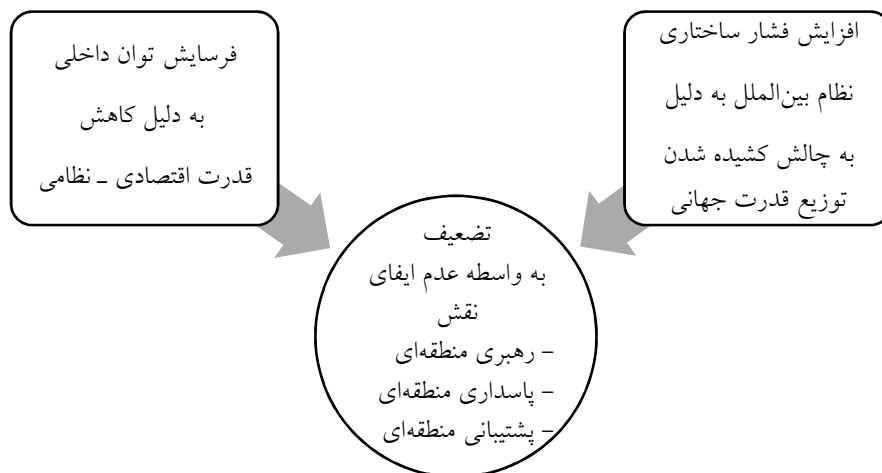
### پ. سطح منطقه‌ای

ایفای نقش مؤثر در معادلات منطقه‌ای، سومین مؤلفه موفقیت یک بازیگر داعیه‌دار قدرت منطقه‌ای است. تحلیل‌گران معتقدند مؤلفه اساسی در شناخت یک کشور به عنوان قدرت منطقه‌ای، ایفای نقش‌های سه‌گانه زیر به صورت مثبت و مؤثر می‌باشد: یک نقش رهبری منطقه‌ای؛<sup>۵</sup> که مشخصه آن رویه‌آفرینی برای پرداختن به منافع و نگرانی‌های مشترک، قالب‌بندی موضوعات و تلاش برای تشکیل سازوکارهای مدیریت امنیتی، تعدیل و یا بازنگری در سازوکارهای امنیتی در جهت حفظ منافع رهبر و سایر اعضا و استفاده از قدرت برای ایجاد همکاری یا اتفاق‌نظر در مسائل امنیت منطقه‌ای است (Stewart & et.al, 2012, p.70).

دو پاسداری منطقه‌ای؛<sup>۶</sup> که لازمه آن مقابله با تهدیدات درون منطقه‌ای، بسیج منابع و تشکیل ائتلاف برای مقابله با تهدیدات و بازدارندگی، اعمال قدرت و مشارکت مستقیم نظامی برای کاهش تنش و مدیریت منازعات منطقه‌ای است (Stewart & et.al, 2012, pp.96-103).

سه پشتیبانی منطقه‌ای؛<sup>۷</sup> که یک قدرت منطقه‌ای باید از نفوذ و دخالت قدرت‌های خارجی و فرامنطقه‌ای در منطقه بتواند جلوگیری کند (Stewart & et.al, 2012, p.123). با توجه به مؤلفه‌های سه‌گانه بالا می‌توان چنین ادعا نمود که تلاش برای تضعیف قدرت منطقه‌ای ایران در قالب الگوی سه بخشی زیر قابل تحلیل است (نک. شکل شماره ۱).

شکل شماره (۱). الگوی تحلیل: مؤلفه‌های تأثیرگذار بر قدرت منطقه‌ای



(طراحی توسط نویسندگان)

در ادامه، ضمن معرفی راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، نسبت به تحلیل آثار جنگ تحمیلی در سه سطح بیان شده اقدام می‌گردد.

### ۳. راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

راهبرد منطقه‌ای ایران در حد فاصل سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۵۹ بر دو محور بنا شد. نخست مقابله با حضور قدرت‌های بزرگ در منطقه به واسطه تأکید بر همگرایی اسلامی و وحدت جهان اسلام؛ و دوم مقابله با محافظه‌کاری منطقه‌ای با بهره‌گیری از جنبش‌های شیعی. در محور نخست تفسیر انقلابی ایران از اسلام نظام بین‌الملل را مبتنی بر سلطه می‌دانست و به همین منظور در چارچوب اهدافی که قانون اساسی برای سیاست خارجی مطرح کرده بود به حمایت از جنبش‌های انقلابی و وحدت مسلمین در چارچوب تشکیل امت واحده برای تأثیرگذاری بر قاعده بازی قدرت و کاهش نفوذ قدرت‌های بزرگ پرداخت (متقی و پوستین‌چی، ۱۳۹۰، ص. ۵۷). بنابر محور دوم اگرچه مسلمانان مخاطب عام ایران بودند اما بخش مرکزی منافع سیاسی - استراتژیک ایران، شیعیان بودند. انقلاب اسلامی احیاگری شیعه را در خاورمیانه و خلیج فارس گسترش داد و شیعیان منطقه کوشیدند هویت خود را همسو با ایران تعریف کنند و



ایران نیز از آنان حمایت کرد (فولر، ۱۳۷۳، صص. ۴۱-۳۷). ایران با ارائه تفسیر شیعی به مثابه تنها روایت درست از اسلام و معرفی اسلام آمریکایی و وابسته عربستان سعودی و بهره‌گیری از روند انقلابی‌گری و موج‌های رادیکال حاصل از آن علیه محافظه‌کاری منطقه‌ای عمل کرد. از نظر انوشیروان احتشامی «از زمانی که اصول‌گرایان حکومت اسلامی کنترل انقلاب را بر عهده گرفتند دورانی از سنگربندی را در دستور کار خویش قرار دادند و یکی از اصول سیاست منطقه‌ای ایران مخالفت با مواضع و گرایش حاکمین عرب خلیج فارس و گروه اعراب میانه‌رو بود» (احتشامی، ۱۳۷۸، صص. ۷۶-۷۴). این اقدام ایران تهدیدی برای کشورهای محافظه‌کار منطقه و قدرت‌های بزرگ محسوب می‌شد و آنها کوشیدند به مقابله با سیاست‌های تهران دست بزنند. پس از پایان جنگ و در سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۸۰ اگرچه محور نخست راهبرد منطقه‌ای ایران به‌خصوص با افزایش نفوذ و حضور آمریکا پس از بحران کویت در منطقه همچنان تداوم یافت اما جمهوری اسلامی در پرتو سیاست تنش‌زدایی کوشید محور دوم راهبرد خود را تغییر داده و در جهت کاهش تأثیرگذاری جهان غرب در خاورمیانه به سمت حمایت از چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای گام بردارد. از نظر ایران رسیدن به یک امنیت دسته‌جمعی با مشارکت کشورهای این منطقه و بدون حضور نیروهای بیگانه می‌توانست صورت بپذیرد. به همین منظور کوشید تا با ارائه تز امنیت دسته‌جمعی منطقه‌ای در خلیج فارس و تأکید بر همکاری‌های منطقه حضور و نفوذ آمریکا در این نقطه از جهان را کم‌اثر کند. این تلاش‌ها در حالی بود که موقعیت ایران عملاً به علت فرسایش قدرت داخلی و افزایش فشارهای خارجی تضعیف شده بود. مضاف بر اینکه به علت تصادم ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی با اکثریت کشورهای منطقه رغبتی به همیاری‌های منطقه‌ای از سوی اعراب دیده نشد. بنابراین نفوذ و تأثیرگذاری منطقه‌ای ایران در این دوران کاهش یافت. برای ارزیابی بهتر این مسئله باید پیامدهای جنگ تحمیلی بر ایران و سپس بازتاب آن را بر سیاست منطقه‌ای ایران بررسی کرد.

#### ۴. پیامدهای جنگ تحمیلی در سطح راهبرد منطقه‌ای ایران

##### ۴-۱. افزایش فشار ساختاری بر جمهوری اسلامی ایران

اولین راهبرد اتخاذ شده بر ضد ایران، فعال‌سازی فشارهای ساختاری بود که با توجه به

تغییر و تحولات ساختار نظام بین‌الملل در دو سطح قابل بررسی است:

#### الف. فشار ناشی از ساختار دوقطبی

ساختار نظام بین‌الملل در حد فاصل سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۵۹ دوقطبی بود. بر این اساس می‌توان فشارهای ساختاری بر ایران را در چهار کانون شناسایی و تحلیل نمود:

#### کانون (۱). فشار ساخت دوقطبی

ابرقدرت‌ها علی‌رغم رقابت، چون انقلاب ایران را برای قواعد ساختاری نظام بین‌الملل خطرناک می‌دیدند، احساس تهدید مشترک داشتند (Bull, 1977, p.29). بنابراین قدرت‌های بزرگ با ابزارهایی چون دیپلماسی، اعمال فشار امنیتی، تحریم و محدودیت اقتصادی و کنترل منازعات سعی در کنترل نیروی گریز از مرکز، یعنی ایران، نمودند (متقی، ۱۳۸۸، صص. ۱۴۰-۱۱۳). با وقوع انقلاب اسلامی پیمان سنتو و حلقه مرکزی کمر بند امنیتی غرب به دور شوروی گسسته شد و راهبرد منطقه‌ای آمریکا در چارچوب دکترین نیکسون، بازوی نظامی خود را از دست داد. افزون بر این با انحلال دو مرکز مراقبت استراتژیک آمریکا در بهشهر و کبکان موقعیت این کشور در نظارت بر فعالیت‌های اتمی و تحرکات نظامی شوروی تضعیف شد. اشغال افغانستان توسط شوروی و تسخیر سفارت آمریکا در تهران نیز ضمن ضربه زدن به اعتبار آمریکا توازن قدرت را به نفع شوروی تغییر داد (مرکز مطالعات جنگ، ۱۳۸۰، ص. ۵۶).

#### کانون (۲). فشار کشورهای وابسته منطقه

از آنجا که توأمان شدن انقلاب سیاسی و روح ایدئولوژیک موجب بروز پیامدهای ژئوپلیتیکی در سطح منطقه می‌شود، دو ویژگی صدور انقلاب و سیاست خارجی غیرمتعهد ایران، موجب احساس آسیب‌پذیری متحدین منطقه‌ای آمریکا، به دلیل ضعف درونی و وابستگی شدیدشان به خارج، شد. ادبیات سیاسی مستقل انقلاب ایران در گفتار امام خمینی به خوبی متجلی بود: «ما باید انقلاب خود را با شدت هرچه بیشتر صادر کنیم. اسلام بین کشورهای اسلامی هیچ تمایزی قائل نیست. ما حامی تمام محرومان هستیم. اگر ما در محیط محدودی باقی بمانیم قطعاً با شکست مواجه می‌شویم. ما باید حساب خود را با ابرقدرت‌ها روشن کنیم. به آنها نشان دهیم که توسط اعتقادمان با جهان سلطه‌گر و ناعادلانه مقابله می‌کنیم» (خمینی، ۱۳۸۵، ص. ۴۱۰). در چنین شرایطی بسیاری از کشورهای منطقه که از ضعف مشروعیت رنج می‌بردند،

احساس خطر نمودند (نک. میلانی، ۱۳۸۱، صص. ۳۶۸-۳۶۷)، و به همین خاطر نسبت به اعمال فشار بر ایران مصمم شدند.

### کانون (۳). فشار ایالات متحده آمریکا

از آنجایی که دو بازیگر اصلی انقلاب اسلامی را در جهت برهم زنده قواعد نظام بین‌الملل تفسیر می‌کردند با وجود تنش به علت اشغال افغانستان، درصدد کنترل ایران از طریق موازنه‌سازی منطقه‌ای برآمدند (Azhary, 1984, p.153). ایالات متحده در این راستا دو سیاست راهبردی را پیگیری کرد:

**اول.** بهره‌گیری از الگوی موازنه قوا و فعال‌سازی دولت دست‌نشانده در قالب یک جنگ نیابتی برای محدود کردن تحرک منطقه‌ای و کاهش توان کنش‌گری ایران بود. زمینه‌سازی برای حمله عراق به ایران، حمایت مستقیم از رقیب ایران، سازماندهی اجماع منطقه‌ای برای کنترل ایران و خارج کردن عراق از لیست کشورهای حامی تروریسم به منظور اعطای کمک‌های مالی - تسلیحاتی از جمله این اقدامات بود.

**دوم.** فعال‌سازی قابلیت تحرک ساختاری خود جهت تأمین امنیت در منطقه، حفاظت از متحدان خود و اطمینان‌بخشی به آنها در قالب دکترین امنیتی کارتر و ریگان. این اقدام‌ها نشان از ضرورت مداخله مستقیم آمریکا در منطقه برای پر کردن خلأ قدرت ناشی از سقوط شاه و تجدید موقعیت این کشور دارد (Walker, 1990, p.791).

### کانون (۴). فشار اتحاد جماهیر شوروی

از سوی دیگر در سال‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب، تحلیل طبقاتی مسکو از انقلاب اسلامی موجب عزم آنها برای گسترش روابط با ایران شده بود. بر این مبنا استراتژی شوروی در دوران جنگ ایران و عراق بر مبنای متوازن‌سازی رفتار بازیگران منطقه‌ای بود. شوروی تا پیش از آزادی خرمشهر در سال ۱۳۶۱ بارها برای جلب نظر ایران تلاش کرد. اما تداوم سیاست‌های چپ‌ستیزانه ایران در قالب برخورد با حزب توده و مخالفت‌های مستمر جمهوری اسلامی ایران با اشغال افغانستان، باعث شد تا شوروی بفهمد که ایران حرکتی چپ‌گرایانه و وابسته به شوروی را تجربه نمی‌کند. از نظر هاشمی رفسنجانی «شوروی بعد از آن از حامیان جدی ارتش بعث عراق شد و تجهیزات پیشرفته‌ای به عراق داد. حتی کارشناسان نظامی آنها در ستاد جنگ ارتش

بعث شرکت می کردند و به عراق مشاوره می دادند» (شیرعلی نیا، ۱۳۹۵، ص. ۳۷۷). به همین خاطر مشاهده می شود که با آشکار شدن نشانه‌های برتری ایران در جنگ، سیاست مسکو براساس حداکثرسازی روابط خود با بغداد قرار می گیرد. هدف کرمین از حمایت تسلیحاتی از رقیب ایران، تحت فشار گذاشتن ایران برای عدم مداخله در افغانستان و عدم حمایت از مجاهدین افغانی بود. علی‌اکبر ولایتی در تشریح سیاست مسکو نقل کرده است: «در اوج بمباران شهری عراق به وزیر خارجه شوروی گفتم چرا به عراقی‌ها موشک می دهید؟ گفت شما از حمایت مجاهدین افغان دست بردارید تا ما هم به عراق موشک ندهیم. معامله خوبی نیست؟» (روزنامه کیهان، ۱۳۷۵/۱۱/۲۸).

در مجموع هدف هر دو ابرقدرت در دوران نظم دوقطبی، مهار ایران به منظور ممانعت از ظهور یک هژمون منطقه‌ای بود. چنان‌که آیت‌الله خامنه‌ای اظهار داشته‌اند: «جنگ تحمیلی یک جنگ عمومی بود. همه قدرت‌های جهانی شرق و غرب آن روز، به صدام مجرم کمک کردند تا بر ضد ملت و کشور ایران اقدام کند» (بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۰/۱۹).

#### ب. فشار ناشی از ساختار تک‌قطبی

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تغییر نظام بین‌الملل از سیستم دوقطبی به تک‌قطبی زمینه را برای ظهور هژمونی مورد نظر آمریکا با شعار سیاست «نظم جهانی» فراهم کرد. این دگرگونی ساختار نظام بین‌الملل بر رفتار دولت‌ها و الگوهای همکاری منطقه‌ای تأثیر گذاشت و موجب ایجاد برخی ائتلاف‌های جدید، برهم خوردن برخی ائتلاف‌ها و شکل‌گیری الگوی جدیدی از همکاری و منازعه میان واحدهای منطقه‌ای خاورمیانه شد (روحی دهبه، ۱۳۹۵، صص. ۱۵۷-۱۵۴). از آنجا که در این ساختار، هژمون برتر دستورکار بین‌المللی را تعیین می‌کند، کشورهای متخاصم با فشار شدید ساختاری از سوی نظام تک‌قطبی مواجه می‌شوند؛ به گونه‌ای که نظام تک‌قطبی به مثابه یک کلانتر با دو ابزار «تحریم اقتصادی و مقابله نظامی» سعی در کنترل رفتار بازیگر ناهماهنگ و ایجاد نظم دلخواه خود را دارد (Huntington, 1999, p.61). در چنین شرایطی آمریکا با طرح نظم نوین جهانی از الگویی جدید در سطح جهان خبر داد: «هرجا که یکی از اعضای نظام بین‌الملل مقررات و رویه‌ها را نقض کند آمریکا حق دارد در صورت لزوم به زور متوسل شود. زیرا آمریکا تنها کشوری است که دارای چنین مسئولیتی بوده و

توانایی ایفای آن را دارد» (New York Times, 7 march 1991). امری که رهبر معظم انقلاب چنین تحلیل نموده‌اند: «... هدفش گسترش سلطه نظامی و به دنبال آن سلطه سیاسی - اقتصادی است. نظم نوین جهانی یعنی نظام دوقطبی عالم تمام شد. اما نتیجه تمام شدن درگیری شرق و غرب، قدرت مطلقه روزافزون آمریکا بر ملل ضعیف است» (بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۷/۵). در پرتو این تحولات راهبرد آمریکا در برخورد با ایران مبتنی بر دو سیاست «در انزوا قرار دادن» و «مهار» بود. جلوگیری از حضور ایران در کنفرانس صلح اعراب - اسرائیل مادرید و ترتیبات امنیتی خلیج فارس و افزایش فشار اقتصادی - سیاسی در قالب سیاست مهار دوجانبه از مهمترین مصادیق راهبرد آمریکا در این دوران به شمار می‌آید (تائب، ۱۳۷۶، صص. ۲۲۹-۲۲۶).

#### ۴-۲. فرسایش منابع و ظرفیت‌های داخلی

در کنار شرایط بین‌المللی، فرسایش منابع قدرت داخلی به واسطه جنگ تحمیلی نیز در تضعیف قدرت منطقه‌ای ایران نقش داشت. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این خصوص بیان داشته‌اند: «آمریکا و مزدورانش فکر می‌کردند که ما ایران را به یک جنگ تحمیلی و ناخواسته می‌کشانیم و با این کار چند فایده می‌بریم. اولاً. نیروی نظامی ایران را به تحلیل خواهیم برد و ابزار جنگی آنها را مستهلک خواهیم کرد؛ ثانیاً. مراکز حیاتی و تولیدی و اقتصادی آنها را منهدم می‌کنیم. زبده‌ترین عناصر رزمنده قهرمان را از آنان می‌گیریم. آنگاه با روی کار آوردن یک دولت ضعیف و مفلوک سلطه همه‌جانبه بر ایران مقدور خواهد بود» (بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۵۹/۷/۴). در این خصوص دو کانون اقتصادی و نظامی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

#### الف. کانون اقتصادی

هزینه‌های بالا و خسارات سنگین ناشی از جنگ، سطح استاندارد زندگی را با افت روبه‌رو ساخت. کاهش سطح تولید، افزایش هزینه‌های دولت، کمبود کالا، فشار تورمی و کاهش شاخص‌های رفاه اجتماعی از جمله دشواری‌های متأثر از جنگ بود (دژپسند و رثوفی، ۱۳۸۷، صص. ۲۶-۲۳). این امر در اظهارات رهبران سیاسی نیز بازتاب یافت. از جمله هاشمی رفسنجانی که معتقد بود جنگ اقتصاد و زیربناهای کشور را تالیه سقوط پیش برد: «زیربناها یا نبودند یا آسیب دیده بودند. امکانات نداشتیم. بودجه

مملکت در سال ۱۳۶۷ حدود ۵۱ درصد کسری داشت. انبارها خالی، ماشین‌ها فرسوده و بیکاری فوق‌العاده بود. رسماً ۱۵/۵ درصد بیکاری داشتیم ولی بیکاری مخفی خیلی بیشتر بود» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶/۲/۴). در برخی از گزارش‌ها کل خسارت‌های مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی ایران ۷۰۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۷ برآورد شده که با توجه به محاسبه بر مبنای نرخ تورم سال ۱۳۹۷ معادل ۱۴۲۸ میلیارد دلار می‌شود (Shariati and Ghaffari, 2019, p.49).

**جدول شماره (۱): خسارات مستقیم و غیرمستقیم ایران در جنگ با عراق (میلیارد دلار)**

بخش	کشاورزی	برق، آب و گاز	صنعت	نفت	خدمات عمومی
خسارات مستقیم	۳۵/۷	۲۷/۳	۳۳/۶	۱۵۹/۶	۳۳۳/۹
خسارات غیرمستقیم	۲۹۶/۱	۳۵/۷	۱۶/۸	۲۸۷/۷	۵۲/۵

(Source: Shariati and Ghaffari, 2019, p.4)

از منظر شاخص‌های اقتصادی نیز ایران وضعیت مناسبی نداشته است. در سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۵۸ متوسط نرخ تورم ۱۸/۹ درصد بوده که این شاخص در برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲) به ۱۸/۸ و در برنامه دوم (۱۳۷۸-۱۳۷۴) به ۲۵/۸ درصد رسید. در مورد نرخ رشد اقتصادی نیز اگرچه آمار دقیق برخی از سال‌های دوران جنگ تحمیلی مشخص نیست اما بنا به آنچه که منتشر شده این شاخص روند نزولی داشته است. چنانکه در سال‌های ۱۳۶۰ معادل ۹-، سال ۱۳۶۵ معادل ۱- و در سال انتهایی جنگ ۵- درصد بوده است. بعد از جنگ نیز متوسط نرخ رشد اقتصادی در برنامه اول توسعه ۷/۳ اعلام شد که در برنامه دوم با یک روند نزولی به ۳/۵ درصد کاهش پیدا کرد.

**جدول شماره (۲): متوسط نرخ رشد اقتصادی و تورم در ایران: ۱۳۷۸-۱۳۵۸**

دوره زمانی	متوسط نرخ رشد اقتصادی	متوسط نرخ تورم
دهه اول انقلاب (۱۳۶۷-۱۳۵۸)	-	۱۸/۹
برنامه اول (۱۳۷۲-۱۳۶۸)	۷/۳	۱۸/۸
برنامه دوم (۱۳۷۸-۱۳۷۴)	۳/۵	۲۵/۸

(منبع: بر اساس اطلاعات سری زمانی داده‌های اقتصادی بانک مرکزی)

میزان تولید ناخالص داخلی و سرانه تولید ناخالص داخلی نیز از یک روند ثابت افزایشی برخوردار نبوده است. چنانکه میزان تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۳۵۹ معادل ۹۳/۵۳۱ میلیارد دلار بوده که اگرچه حدود یک دهه روند افزایشی را پیموده اما در سال ۱۳۷۱ با کاهش زیادی مواجه شده و به رقم باورنکردنی ۴۹/۴۲۳ میلیارد دلار تنزل یافته است. البته در سال‌های بعد با روندی صعودی به رقم ۲۷۷/۰۹۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۸ رسیده است. سرانه تولید ناخالص داخلی نیز این روند نوسانی را پیموده و از ۲۴۲۶ دلار به ازای هر فرد در ۱۳۵۹ به ۸۷۲ در سال ۱۳۷۱ و ۴۳۸۸ دلار در ۱۳۷۸ رسیده است (The World Bank, IMF).

جدول شماره (۳): تولید ناخالص ملی ایران: ۱۳۵۹-۱۳۷۸

سال	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	سرانه تولید ناخالص داخلی (دلار)
۱۳۵۹	۹۳/۵۳۱	۲۴۲۶
۱۳۶۳	۱۶۰/۰۷۴	۳۵۳۸
۱۳۶۷	۳۱۸/۶۰۱	۶۱۳۸
۱۳۷۱	۴۹/۴۲۳	۸۷۲
۱۳۷۵	۱۵۷/۳۴۷	۲۶۲۰
۱۳۷۸	۲۷۷/۰۹۵	۴۳۸۸

(Source: The World Bank, IMF)

سهم صادرات از تولید ناخالص ملی روندی به طور کلی روندی کاهشی را پیموده است. به طوری که از ۱۳/۱۳ درصد در سال ۱۳۵۹ به ۳/۴۱ در ۱۳۶۵ رسیده و اگرچه در سال ۱۳۷۱ افزایش فوق‌العاده‌ای داشته اما این رشد پایدار نبوده و روند کاهشی که در سال‌های ماقبل وجود داشته تداوم یافت. سهم واردات از تولید ناخالص با نوسان همراه بوده است. در سال ۱۳۵۹ سهم واردات ۱۳/۰۴ بوده که تقریباً معادل سهم صادرات از تولید ناخالص ملی در همین سال است. اما این رقم در سال ۱۳۶۵ با افت شدیدی به ۵ درصد رسید که با توجه به کاهش درآمدهای دولت در دوران جنگ طبیعی به شمار می‌رفت. اما پس از پایان جنگ سهم واردات در تولید ناخالص داخلی با یک

روند افزایشی به ۵۲ درصد در سال ۱۳۷۱ رسید. البته در سال‌های بعد با رونق صادرات، سهم واردات در تولید ناخالص داخلی به ۴/۸۱ درصد در ۱۹۷۸ تقلیل یافت.

جدول شماره (۴): صادرات و واردات ایران (۱۳۷۸-۱۳۵۹)

سال	صادرات (میلیارد دلار)	سهم صادرات از GDP (درصد)	واردات (میلیارد دلار)	سهم واردات از GDP (درصد)
۱۳۵۹	۱۲/۳۳۸	۱۳/۱۳	۱۲/۲۴۶	۱۳/۰۴
۱۳۶۵	۷/۱۷۱	۳/۴۱	۱۰/۵۲۱	۵
۱۳۷۱	۱۹/۸۶۸	۴۰/۶۴	۲۵/۸۶۰	۵۲/۹
۱۳۷۵	۲۲/۳۹۱	۱۴/۵۳	۱۶/۲۷۴	۱۰/۵۶
۱۳۷۸	۲۱/۰۳۰	۷/۵۹	۱۳/۳۲۴	۴/۸۱

(Source: The World Bank, IMF)

#### ب. حوزه نظامی

خسارات نظامی ناشی از جنگ تحمیلی را باید لحاظ نمود. میزان تلفات انسانی این نبرد حدود ۵۰۰ هزار شهید و مفقودالثر، یک میلیون و سیصد هزار مجروح و ۴۵ هزار اسیر برآورد شده است. همچنین خساراتی به بخش دفاعی ایران وارد آمد که برآورد کارشناسان خارجی به شرح جدول شماره (۵) است (Razoux, 2015, p.569).

جدول شماره (۵): تلفات نظامی ایران در جنگ

شاخص	میزان
تلفات انسانی	۵۰۰/۰۰۰ شهید و مفقودالثر ۱/۳۰۰/۰۰۰ مجروح ۴۵/۰۰۰ اسیر
نیروی دریایی	انهدام ۱۵ کشتی جنگی، ۲ ناوچه، ۲ رزم‌ناو، ۲ قایق موشک‌انداز کلاس کمان (جوشن و بیکان) و ۳ قایق گشت‌زنی
نیروی زمینی	انهدام ۲۱۰۰ تانک (شامل ۶۰۰ چیفتن)، ۲۳۰۰ خودروی زرهی و ۱۰۰۰ قطعه توپخانه سنگین
نیروی هوایی	انهدام ۲۵۰ هلی‌کوپتر (به علاوه آسیب شدید به ۱۵۰ فروند دیگر) و ۱۸۰ هواپیمای جنگی

(Source: Razoux, 2015, p.569)



هزینه‌های نظامی بنا به ضرورت دفاع از کشور افزایش می‌یابد؛ به گونه‌ای که سهم آن از بودجه کشور از ۱۸/۶۴ به ۳۲/۲۹ درصد رسیده و در پی پذیرش آتش‌بس، کاهش یافته از ۱۴/۴۸ در سال ۱۳۶۹ به ۲/۶۷ درصد در سال ۱۳۷۸ می‌رسد.

جدول شماره (۶): آمار نظامی - دفاعی ایران: ۱۳۵۹-۱۳۷۸

سال	هزینه نظامی (میلیارد دلار)	سهم هزینه‌های نظامی از بودجه (درصد)
۱۳۵۹	۴/۹۹۷	۱۸/۶۴
۱۳۶۳	۱۰/۱۷۲	۳۲/۳۲
۱۳۶۵	۱۲/۶۹۲	۳۳/۱۳
۱۳۶۷	۱۹/۹۷۵	۳۲/۲۹
۱۳۶۹	۱۸/۲۰۸	۱۴/۴۸
۱۳۷۳	۱۸/۸۸۰	۷/۶۰
۱۳۷۶	۵/۱۶۵	۱۱/۸۷
۱۳۷۸	۷/۴۰۰	۲/۶۷

(Spurce: International Institute for Strategic Studies (IISS), Sipri)

در مجموع خسارات جنگ، فشار توری، کاهش شاخص‌های رفاه از عواملی بودند که موجب شد تمام تلاش نظام سیاسی ایران معطوف به حل آنها شود. در چنین شرایطی طبیعی بود که نگاه تصمیم‌گیرندگان در سیاست منطقه‌ای تنها بر امنیت مرزها و نه کنشگری همه‌جانبه منطقه‌ای متمرکز شود.

##### ۵. تحلیل عملکرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

تغییر توازن قدرت و ایجاد بلوک‌بندی‌های جدید منطقه‌ای از پیامدهای پیروزی انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. در دوران پهلوی خاورمیانه عربی از دو جناح میانه‌رو و رادیکال تشکیل شده بود و رژیم پهلوی به واسطه ماهیت غرب‌گرای خود با کشورهای میانه‌رو روابط گرمی داشت. پیروزی انقلاب اسلامی و نگرانی کشورهای وابسته عربی از هویت اسلامی - انقلابی ایران، پشتیبانی اکثریت کشورهای عربی از حکومت بعث عراق را در پی داشت. همچنین ایران که تا پیش از این قدرت برتر منطقه به شمار

می‌رفت با یک نظم امنیتی چندقطبی مبتنی بر رقابت‌های ایران، عراق، شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان و ترکیه روبه‌رو شد که ریشه در عدم توازن قدرت ایران با رقبای منطقه‌ای ایران داشت. در این قسمت مطابق الگوی تحلیل ارائه شده، نقش‌های منطقه‌ای ایران و چالش‌های هر یک را بررسی می‌نماییم.

### ۵-۱. رهبری منطقه‌ای

یکی از پیامدهای جنگ تضعیف موقعیت و جلوگیری از رهبری منطقه‌ای ایران بود. چنان‌که مقام معظم رهبری اظهار داشته‌اند: «آنها این جنگ را به وجود آوردند تا نظام اسلامی را از بین ببرند و یا وادار به تسلیم کنند. می‌خواستند جمهوری اسلامی به خاطر اشغال و گرفتاری‌های نظامی جنگ ساقط شود و یا اگر ساقط نمی‌شود ضعیف و تسلیم شود» (بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۷/۵). بر این اساس تضعیف ایران بر اثر جنگ تحمیلی موجب ارتقای جایگاه رقبای منطقه‌ای و حذف ایران از ترتیبات امنیتی به واسطه روابط تیره با اعراب شد. از این منظر شاهد طرح دعاوی جدید و جدی برای رهبری منطقه‌ای در برابر ایران هستیم که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

#### طرح اول. ارتقای جایگاه رقبای منطقه‌ای ایران

فرسایش منابع قدرت ایران و عراق در جنگ موجب ارتقای جایگاه رقبای منطقه‌ای برخی بازیگران دیگر شد که عبارتند از:

#### اول. عربستان سعودی

این کشور بیشترین سود را از تضعیف ایران و عراق کسب کرد و با بهره‌گیری از فرصت به دست آمده ناشی از تضعیف دو کشور کوشید تا با ایجاد یک بلوک سیاسی در قالب شورای همکاری خلیج فارس نقش منطقه‌ای خود را ارتقا دهد. در واقع پس از سقوط شاه، عربستان سعودی به خاطر وجود پتانسیل‌هایی همچون توان اقتصادی برای تأمین مخارج نظامی، موقعیت حساس به لحاظ ذخایر نفتی و جایگاه سیاسی - مذهبی در صدد بود تا به‌عنوان متحد اصلی آمریکا نقش رهبری منطقه‌ای را برعهده بگیرد. از منظر اقتصادی عربستان سعودی در سال ۱۹۸۱ با درآمد روزانه بیش از ۳۰۰ میلیون دلار بودجه‌ای ۹۳ میلیارد دلاری طرح‌ریزی کرد که این رقم بیش از تمام تولید ناخالص داخلی سوئیس بود. همچنین مجموع

درآمدهای نفتی ریاض در سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۵۹ برابر با ۴۱۹/۶ میلیارد دلار و ذخایر ارزی این کشور رسماً پس از آلمان و فرانسه در جایگاه سوم قرار داشت (Annual OPEC Statistical Magazine, 1980-1988). اقدام مهم عربستان برای تضعیف قدرت اقتصادی ایران نقش این کشور در کاهش بهای نفت بود. در هفتاد و پنجمین نشست سازمان اوپک در سال ۱۹۸۳ با تلاش ریاض بهای نفت از ۳۴ دلار به ۱۹ دلار کاهش یافت و در ادامه با پیگیری‌های این کشور نهایتاً به ۷ دلار در اواخر سال ۱۹۸۶ رسید. هدف ریاض از این اقدام تضعیف قدرت خرید خارجی و ذخایر ارزی ایران بود (آقایی، ۱۳۹۲، ص. ۲۵۳). هم‌زمان ریاض کوشید تا با خرید سلاح‌های آمریکایی و فروش نفت ارزان به واشنگتن ضمن به رخ کشیدن قدرت مانور منطقه‌ای، همبستگی خود با ایالات متحده را بیشتر سازد.

#### دوم. ترکیه و رژیم صهیونیستی

علاوه بر عربستان سعودی جنگ برای رژیم صهیونیستی و ترکیه نیز موجب بهره‌مندی فراوانی شد. در مورد رژیم صهیونیستی فرسایش قدرت ایران و عراق موجب کاهش آسیب‌پذیری و فراهم شدن «تنفس استراتژیک» برای این رژیم شد. همچنین به واسطه درگیری دو دشمن اصلی و کاهش تهدیدات امنیتی علیه تل‌آویو این رژیم توانست با کاستن از بودجه نظامی و در پیش گرفتن سیاست ریاضتی، به اقتصاد آشفته و بحران مالی خود سر و سامانی دهد (Parsi, 2007, pp.110-117). از نظر هاشمی رفسنجانی یک از پیامدهای جنگ تحمیلی این بود که: «اسرائیل بار دیگر امنیت و تامین خاطر پیدا کرد. دو کشور اسلامی که در منطقه از لحاظ امکانات نظامی هر دو قوی بودند و یک روز ممکن بود این قدرت به طرف اسرائیل برود، اسلحه‌هایشان را بر سر یکدیگر زدند و در نتیجه قدرت هر دو تضعیف شد. امکانات عظیمی که باید با اسرائیل در منطقه می‌جنگید در این درگیری خرد شد» (هاشمی، ۱۳۵۹/۷/۱۸).

از سوی دیگر ترکیه نیز که پس از کودتای ارتش در سال ۱۹۸۰ با بحران مالی و سقوط اقتصادی مواجه شد؛ از جنگ ایران و عراق به عنوان فرصتی برای افزایش صادرات خود به تهران استفاده کرد. انزوای بین‌المللی ایران و کاهش واردات موجب افزایش مبادلات تهران - آنکارا شد. طی سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۸۰ حجم

صادرات ترکیه به ایران با رشد ۱۲ برابری از ۸۵ میلیون دلار به بیش از یک میلیارد دلار رسید و ایران تبدیل به مقصد حدود یک‌چهارم صادرات ترکیه شد. به همین دلیل از ترکیه و رژیم صهیونیستی به عنوان پیروز خاموش جنگ ایران و عراق یاد شده است (Razoux, 2015, pp.116-119). علاوه بر این امضای پیمان اتحاد میان ترکیه - اسرائیل در سال ۱۹۹۶ موجب افزایش موازنه قوا در برابر ایران شد. پیمان اتحاد ترکیه - اسرائیل دو تهدید عمده برای نقش رهبری ایران در خاورمیانه به وجود آورد: نخست ایجاد تهدید مستقیم برای ائتلاف ایران - سوریه به دلیل گسترش فضای پروازی اسرائیل در شرق مدیترانه و دوم افزوده شدن یک موازنه قوای استراتژیک در منطقه خاورمیانه در برابر ائتلاف شورای همکاری خلیج فارس و محور تهران - دمشق (هینه‌بوش و احتشامی، ۱۳۹۰، صص. ۱۵۴-۱۴۹).

#### **طرح دوم. تلاش برای حذف ایران از ترتیبات امنیتی**

استقرار نخستین دولت اسلامی در خاورمیانه و ارائه تعریف جدیدی از مشروعیت اسلامی بر مبنای نوع رابطه کشورهای مسلمان با قدرت‌های بزرگ و استعمارگر در کنار عواملی چون تفاوت‌های قومیتی - فرهنگی، تمایزات جغرافیایی، ساختارهای سیاسی متفاوت، حمایت اعراب از امارات متحده عربی بر سر جزایر سه‌گانه ایرانی، نگاه متفاوت به مقوله امنیت منطقه‌ای و تفاوت در متحدهای منطقه‌ای - فرماندهی‌های باعث به وجود آمدن از جمله متغیرهای مؤثر در تیرگی روابط ایران و اعراب بود؛ چنان‌که مقام معظم رهبری تصریح دارند که مهمترین عامل در این بی‌اعتمادی ترویج ایران‌هراسی و اختلاف‌افکنی از سوی ایالات متحده بود: «از روز اول تلاش تبلیغاتی استکبار آن بوده که کشورهای خلیج فارس را از جمهوری اسلامی ایران بترساند. برای آنکه به آنها سلاح بفروشد و برای خود حضور نظامی تأمین کند. اینها اختلاف بین کشورهای منطقه را آرزو می‌کنند و هر چه بتوانند در این زمینه کار می‌کنند. البته گاهی شده حيله‌های آنها گرفته؛ ترندهایشان گرفته. در حالی که این‌طور نیست. اینها همسایگان مایند. این مجموعه خلیج فارس می‌تواند با یک سیاست خردمندانه و عاقلانه جمعی به سود همه کشورهای خلیج فارس به خوبی اداره شود. عنصری که این حرکت درست و معقول را تهدید می‌کند حضور بیگانه به ویژه آمریکا است» (بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۱/۳۰ و ۱۳۷۵/۱۱/۲۱).

در پرتو چنین شرایطی کشورهای عربی دو اقدام برای حذف ایران از ترتیبات امنیتی انجام دادند:

**نخست.** در سال ۱۳۶۰ شش کشور خلیج فارس مبادرت به ایجاد یک سیستم امنیت جمعی در ذیل شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان کرده و دو کشور به زعم آنان رادیکال (عراق و ایران) را از ترتیبات امنیتی کنار گذاشتند.

**دوم.** در سال ۱۳۷۰ اجلاس امنیتی ۲+۶ دمشق با هدایت ایالات متحده و شرکت شش عضو شورای همکاری خلیج فارس به همراه مصر و سوریه برگزار شد. حاصل این اجلاس شکل‌گیری یک نیروی پاسدار عربی برای دفاع از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به هنگام روبه‌رو شدن با تجاوزات احتمالی ایران بود (اسدی، ۱۳۸۷، صص. ۲۸۹-۲۷۸). تأکید بر ایجاد نیروهای پاسدار صلح عربی و کنار نهادن ایران از ترتیبات امنیت منطقه‌ای پیام روشن کشورهای شورای همکاری خلیج فارس مبنی بر عدم اطمینان به سیاست‌های منطقه‌ای ایران بود. بنابراین از آنجا که رهبری منطقه‌ای مستلزم تشکیل سازوکارهای امنیتی مشترک با اعضای یک منطقه است و اکثریت منطقه خاورمیانه را نیز اعراب تشکیل داده‌اند، کنار نهادن ایران از ترتیبات امنیت منطقه‌ای و مخالفت آنها با جمهوری اسلامی دومین مانع بر سر راه تحقق نقش رهبری منطقه‌ای ایران محسوب می‌شود

## ۲-۵. پاسداری منطقه‌ای

در زمینه ایفای نقش پاسداری منطقه‌ای که معطوف به تهدیدات درون منطقه‌ای است، عدم کنش‌گری مؤثر و کارآمد در قبال حمله عراق به کویت و ظهور طالبان، تضعیف قدرت منطقه‌ای ایران را در پی داشت:

### الف. حمله عراق به کویت

تهاجم عراق به کویت بانگیزه تحقق حاکمیت ارضی، بهره‌گیری از منابع غنی نفت، رهایی از تنگنای ژئوپلیتیکی و تحقق آرزوی هژمونی خلیج فارس صورت پذیرفت (اسدی، ۱۳۸۱، ص. ۵۲۴). این تهاجم با حمله ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده پس از پنج ماه به عقب‌نشینی عراق از خاک کویت انجامید. جمهوری اسلامی ایران در این حادثه اعلام بی‌طرفی کرد که موضعی هوشمندانه و مطابق با شرایط روز هم بود. با این حال از آنجا که یکی از مؤلفه‌های قدرت‌های منطقه‌ای ایفای نقش

پاسداری است، عدم تحرک منطقه‌ای و اقدام عملیاتی برای مقابله با بحران کویت از سوی ایران، نشان از تضعیف قدرت منطقه‌ای ایران داشت.

### ب. ظهور طالبان

ظهور طالبان در فاصله سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۸۰ دومین مانع تحقق پاسداری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بود. پس از خروج شوروی از افغانستان، طالبان توانستند کشور را در اختیار گرفته و حکومت خود را با نام امارت اسلامی افغانستان تشکیل دهند. این گروه دارای عقاید رادیکال اسلامی و ضدیت با تشیع بود. ریشه تفکرات طالبان بر بستر اندیشه سلفی استوار بود که در آن مدارس مذهبی، مکتب دیوبندی و وهابی تأثیر عمیقی دارند (مسعودنیا و شاه قلعه، ۱۳۸۸، ص. ۱۹۶). طالبان در واقع محصول جریان هدایت‌شده‌ای بود که یک سر آن به سیاست مهار دوگانه آمریکا و سر دیگر آن به منافع استراتژیک برخی کشورهای منطقه همچون پاکستان و عربستان سعودی بسته شده بود که هدف آن محاصره ایران بود (امیراحمدی، ۱۳۷۷، صص. ۹-۶). مقام معظم رهبری نیز در همین خصوص فرموده‌اند: «اینها (قدرت‌های غربی و عوامل منطقه‌ای آنها) اعتراف می‌کنند که این جریانات را به راه انداخته‌اند. ما شواهد داریم. من فراموش نمی‌کنم مرحوم شیخ سعید شعبان - عالم معروف اهل سنت در مشهد - به ما گفت من اطلاع دارم که دارند تلاش می‌کنند برای اینکه شما در شرق کشورتان مشغول و درگیر شوید. گفتم شرق ما که افغانستان است. گفت بله از طرف افغانستان. ایشان خب ارتباط داشت با محافل گوناگون سیاسی و روحانی اهل سنت» (بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۶/۱۳). طالبان ضمن کشتار مردم افغانستان پنج دیپلمات ایرانی در مزار شریف را به قتل رساند و بارها به پاسگاه‌های مرزی ایران یورش برد. با به قدرت رسیدن طالبان، از یک سو ایران نوعی آوردگاه ایدئولوژیکی جدید را در مواجهه با آنها که نوعی بنیادگرایی اسلامی بود تجربه می‌کرد و از سوی دیگر مرزهای شرق ایران ناامن گردید. بحران ناشی از تروریسم طالبانی و ایجاد دغدغه‌های امنیتی در مرزهای شرقی ایران، در تضعیف نقش پاسداری منطقه‌ای ایران تأثیر داشته است.

### ۳-۵. پشتیبانی منطقه‌ای

پشتیبانی منطقه‌ای سومین نقشی است که مستلزم مقابله بانفوذ و دخالت نیروی خارجی در منطقه است. مانع اصلی بر سر نقش پشتیبانی منطقه‌ای ایران، حضور نامشروع آمریکا

در خلیج فارس است. این سیاست ریشه در راهبرد آمریکا مبنی بر مهار ایران دارد. از این رو پس از ارائه دکترین کارتر حضور نظامی واشنگتن در منطقه در قالب تقویت پایگاه‌های نظامی و تشکیل نیروی واکنش سریع با هدف مقابله با بروز هرگونه تهدید نسبت به جریان آزاد نفت افزایش یافت. در سال ۱۳۶۲ فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) برای طرح‌ریزی و هماهنگی عملی سیاست نظامی این کشور در جنوب غرب آسیا و همچنین نمایش التزام عملی آمریکا به ثبات و امنیت منطقه‌ای تأسیس شد. محدوده نظارت این فرماندهی از پاکستان در شرق تا مصر در غرب و کنیا در جنوب بود و حدوداً ۱۹ کشور را پوشش می‌داد (جانسون، ۱۳۸۹، صص. ۲۳۰-۲۲۷). گسترش دامنه جنگ و افزایش حملات ایران به نفتکش‌های کویتی در سال ۱۳۶۶ به علت حمایت این کشور از صدام، نقطه عطفی در افزایش حضور ایالات متحده در خلیج فارس شد. بر این اساس رونالد ریگان رئیس‌جمهور آمریکا در قالب طرح تحت پرچم قرارداد نفتکش‌های کویتی و محافظت دریایی از آنها توسط فرماندهی مرکزی آمریکا، حضور خود در خلیج فارس را به طور محسوسی افزایش داد. پس از جنگ دوم خلیج فارس نیز استراتژی ایالات متحده مهار دوگانه ایران و عراق بود و به همین دلیل با اعزام ناوگان پنجم خود با منطقه سعی در کنترل رفتار این دو کشور داشت. همچنین ایالات متحده کوشید با انعقاد موافقت‌نامه‌های دفاعی دو جانبه با کشورهای عربی خلیج فارس، تأسیس پایگاه‌های نظامی در این کشورها و فروش تسلیحات نظامی، ضمن بازنمایی ایران به عنوان یک تهدید امنیتی، در قالب افزایش حضور خود در منطقه به ایران فشار وارد کند. توافق دفاعی ۱۹۹۱ با کویت و ۱۹۹۲ با قطر در همین راستا صورت پذیرفت (سردارآبادی، ۱۳۸۲، صص. ۱۶۸-۱۶۵). افزایش حضور آمریکا در خلیج فارس در حالی صورت پذیرفت که از نظر مقام معظم رهبری، مقدمه بروز ناامنی بود: «نه تنها هیچ‌گونه امنیتی برای منطقه به وجود نمی‌آورد بلکه مقدمه و موجب ناامنی است. آمریکا در بحبوحه پایان جنگ سرد و به برکت سکوت رعب‌آمیزی که بر برخی کشورهای منطقه حاکم گشته و با تکیه بر حضور غاصبانه خود در خلیج فارس در صدد است مشکل خود و صهیونیست‌ها را حل کند. ملت ایران با چنین چالش‌هایی روبه‌رو است» (بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۷/۲۵ و ۱۳۷۸/۸/۹).

بنابراین با افزایش حضور آمریکا در خلیج فارس مقابله با نفوذ بیگانگان در منطقه

اگرچه همواره سرلوحه سیاست ایران بوده، اما در عمل با دشواری‌هایی روبرو می‌شود که تضعیف نقش‌آفرینی منطقه‌ای ایران، طی این دوره تاریخی هدف اصلی آن است.

**جدول شماره (۷): تلاش برای تضعیف قدرت منطقه‌ای ایران**

پشتیبانی منطقه‌ای	پاسداری منطقه‌ای	رهبری منطقه‌ای	نظم امنیتی	ساختار امنیتی
تضعیف در مقابله با افزایش نفوذ آمریکا در منطقه خلیج فارس	تضعیف به علت: عدم کنشگری مؤثر در - جنگ اول خلیج فارس - مقابله با طالبان	تضعیف به علت: - ارتقای جایگاه رقبای منطقه‌ای - کنارگذاشته شدن از ترتیبات امنیتی	قدرت محور مبتنی بر توازن قدرت	چندقطبی

### نتیجه‌گیری

پس از پیروزی انقلاب اسلامی موقعیت ممتاز جغرافیایی ایران، کنترل بر منطقه حساس و استراتژیک خلیج فارس، جذابیت پیام انقلاب در نزد توده‌های مسلمان منطقه، ضدیت با ابرقدرت‌ها و احتمال سرایت انقلاب اسلامی به عنوان الگوی سایر کشورهای مسلمان از جمله مؤلفه‌هایی بود که ظرفیت ایران را برای ایفای نقش رهبری منطقه‌ای نسبت به سایر کشورها تضمین می‌کرد. با این وجود سیاست تخصیص قدرت‌های بزرگ و متحدان منطقه‌ای آنها نسبت به ماهیت و پیام انقلاب اسلامی در نهایت آنها را در قالب تحمیل جنگی هشت‌ساله به رویارویی با ایران سوق داد. جنگ تحمیلی اگرچه برای ایران پیامدهای مثبتی همچون ارتقا بازدارندگی و خودکفایی صنایع نظامی به همراه داشت اما با این حال هزینه‌های ناخواسته زیادی نیز بر جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرد. جنگ باعث فرسایش منابع قدرت از قبیل منابع و ظرفیت‌های اقتصادی و نظامی در سطح داخلی و همچنین افزایش فشار ساختار نظام بین‌الملل به ویژه از سوی ایالات متحده در سطح بین‌المللی شد. بازتاب این پیامد در عملکرد منطقه‌ای ایران متجلی شد. به گونه‌ای که جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم تمام تلاش‌ها نتوانست نقش‌های سه‌گانه رهبری، پاسداری و پشتیبانی را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای به خوبی ایفا کند و از این رو شاهد تضعیف نقش منطقه‌ای ایران در این دوره هستیم. موضوعی که بعدها آسیب‌شناسی شده و شاهد اصلاح سیاست‌ها و شکل‌گیری تحرک منطقه‌ای ایران هستیم.



1. polarity
2. Distribution of power
3. SaulM. Cohen
4. Regional leadership
5. Regional Custodianship
6. Regional Protection

### کتابنامه

- آقایی، داوود (۱۳۹۲). سیاست و حکومت در عربستان سعودی. تهران: میزان.
- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸). سیاست خارجی ایران در دوره سازندگی (ابراهیم متقی و زهره پوستین چی، مترجم). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- احتشامی، انوشیروان (۱۳۹۶). اقتصاد سیاسی، جنگ و انقلاب در خلیج فارس (ایوب فرخنده و محمد سلامی استاد، مترجم). تهران: دنیای اقتصاد.
- اسدی، بیژن (۱۳۸۱). خلیج فارس و مسائل آن. تهران: سمت.
- اسدی، بیژن (۱۳۸۷). سیاست خارجی ایران در دوره اصلاحات. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۷۷). «بحران افغانستان و سیاست منطقه‌ای ایران»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی. ۱۳۴-۱۳۳، ۹-۴.
- تائب، سعید (۱۳۷۶). «قانون داماتو، ایران یا اروپا»، سیاست خارجی. ۱۲(۴۱)، ۲۹-۴۴.
- جانسون، مکسول (۱۳۸۹). درس‌هایی از حقوق و دیپلماسی در جنگ ایران - عراق (داود علمایی، مترجم). تهران: مرزوبوم.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۴). سیاست خارجی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای. تهران: وزارت خارجه.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۹۲). جنگ ایران و عراق از نگاه نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: نشر سفید.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۴). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: نشر پاپلی.
- حیات مقدم، امیر؛ فرجی‌راد، عبدالرضا و سرور، رحیم (۱۳۹۸). «راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی برای مقابله با حمایت کشورهای از عراق و نحوه به‌کارگیری آن‌ها در تهدیدات آینده»، فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی. ۹(۳۴)، ۳۶-۷.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه نور. تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.

- درویدیان، محمد (۱۳۹۱). جنگ ایران و عراق، موضوعات و مسائل. تهران: سمت.
- دژپسند، فرهاد؛ رئوفی، حمیدرضا (۱۳۸۷). اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی. تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس.
- روحی دهبه، مجید (۱۳۹۵). تراژدی منطقه‌گرایی در خاورمیانه. تهران: مرکز مطالعات راهبردی.
- سردارآبادی، خلیل‌الله (۱۳۸۲). «بررسی روابط دفاعی - امنیتی ایران و شورای همکاری خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی. ۱۰(۳۴)، ۱۷۴-۱۴۳.
- سلیمی، حسین؛ دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و پوراسماعیلی، نجمیه (۱۳۹۶). «مدل و تحلیل نظری رابطه نظام منطقه‌ای و سیاست خارجی»، فصلنامه ژئوپلیتیک. ۱۳(۴۷)، ۲۴-۱.
- شیرعلی‌نیا، جعفر (۱۳۹۵). زندگی و زمانه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی. تهران: نشر سایان.
- فولادی، بهروز (۱۳۹۵). «بررسی راهبردهای ایران در برابر استراتژی آمریکا در منطقه خلیج فارس در دهه ۹۰ میلادی»، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی. ۲(۴)، ۶۶-۴۷.
- فولر، گراهام (۱۳۷۳). قبله عالم، (عباس مخبر، مترجم). تهران: مرکز.
- قسیمی، محمدرضا (۱۳۹۶). شاهد جنگ و اقتصاد. تهران: دنیای اقتصاد.
- کوردزمن، آنتونی؛ واگنر، آبراهام (۱۳۹۰). درس‌های جنگ مدرن. (حسین یکتا، مترجم). تهران: مرزوبوم.
- کوهن، سائول برنارد (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک نظام جهانی (عباس کاردان، مترجم). تهران: مؤسسه ابرار معاصر تهران.
- گریفتس، مارتین (۱۳۸۸). دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان (علیرضا طیب، مترجم). تهران: نشر نی.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۸). نظام دوقطبی و جنگ ایران و عراق. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- متقی، ابراهیم و پوستین‌چی، زهره (۱۳۹۰). الگو و روند در سیاست خارجی ایران. قم: دانشگاه مفید.
- مرکز مطالعات جنگ (۱۳۸۰). ریشه‌های تهاجم. تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلام.
- مسعودنیا، حسین و شاه‌قلعه، صفی‌الله (۱۳۸۸). «بررسی علل رفتار خشونت‌آمیز نیروهای اسلامی در پاکستان با تأکید بر طالبان‌نیم»، دو فصلنامه دانش سیاسی. ۵(۹)، ۲۱۸-۱۹۳.
- میلانی، محسن (۱۳۸۱). شکل‌گیری انقلاب اسلامی (مجتبی عطارزاده، مترجم). تهران: گام نو.
- هیرو، دیلیپ (۱۳۹۱). طولانی‌ترین جنگ (علیرضا فرشچی، سعید کافی، مترجم). تهران: مرزوبوم.
- هینه‌بوش، ریموند: احتشامی، انوشیروان (۱۳۹۰). سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه

(رحمن قهرمانپور، مرتضی مساح، مترجم). تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

- Azhari, M (1984). *The Iran-Iraq War*. New York: St Martin Press.
- Bull, Hedely (1977). *The Anarchical Society*. New York: Columbia University Press.
- Flemes, Daniel (2007). "Conceptualising Regional Power in International Relations: Lessons from the South African Case", *GIGA German Institute of Global and Area Studies*. 14(53), 1-9.
- Huntington, Samuel (1999). "The Lonely Superpower", *Foreign Affairs*. 78(2), 35-49.
- Lemke, D (2002). *Regions of War and Peace*. Cambridge/New York: Cambridge University Press.
- Mearshimer, John (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*. New York: Norton.
- Osterud, Oyvind (1992). *Regional great powers in International politics*. Basingstoke: St. martin press.
- Parsi, Trita (2007). *Treacherous Alliance: The Secret Dealings of Israel, Iran and U.S.A*. New Haven: Yale University Press.
- Razoux, Pierre (2015). *The Iran-Iraq War*. Massachusetts: Harvard University Press.
- Shariati, Shahrouz&Ghaffari, Masoud (2019). "The Iran-Iraq War: Geopolitical Economy of the Conflict", *Geopolitics Quarterly*. 14(52), 46-61.
- Stewart, Robert; Ingersol, Fraizer; Derrick (2012). *Regional Powers and Security Orders*. London and New York: Routledge.
- Tabatabai, Ariane; Samuel, Annie (2017). "What the Iran-Iraq War Tells Us about the Future of the Iran Nuclear Deal", *International Security*. 42(1), 152-185.
- Walker, Martin (1990). "The U.S and Persian Gulf Crisis", *World Policy Journal*. 7(31), 791-799.

#### وبسایت‌ها و مطبوعات

اطلاعات سری زمانی داده‌های اقتصادی بانک مرکزی:

<https://www.cbi.ir/simplelist/3484.aspx>

بانک جهانی: <https://data.worldbank.org/country/iran-islamic-rep>

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۵۹). «بیانات اولین نماز جمعه بعد از شروع جنگ»، به آدرس:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24582>

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۹). «بیانات در دیدار مجمع طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم»، به آدرس:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2414>

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۰). «بیانات نماز جمعه»، به آدرس:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2497>

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۰). «پیام در پی برگزاری کنفرانس صلح خاورمیانه»، به

آدرس: <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2502>

- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۵). «بیانات در خطبه نماز عید فطر»، به آدرس:  
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2826>
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۸). «بیانات در دانشگاه افسری امام علی»، به آدرس:  
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2977>
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸). «بیانات در جمع دست اندرکاران ساخت ناوشکن جماران»، به آدرس:  
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8906>
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲). «بیانات در دیدار مردم قم»، به آدرس:  
<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=24939>
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳). «بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان»، به آدرس:  
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=27356>
- صندوق بین‌المللی پول: <https://www.imf.org>
- مجله آماری اوپک: <https://www.pec.org/pecweb/en/publications/202.htm>
- مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک:  
[www.iiss.org/publications/the-military-balance](http://www.iiss.org/publications/the-military-balance)
- مؤسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم: <https://www.sipri.org/databases/milex>
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۵۹). «سخنرانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه»، به آدرس: <https://rafsanjani.ir/records>
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶). «مصاحبه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با جمعی از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی»، به آدرس: <https://www.rafsanjani.ir/records>
- کیهان: ۱۳۷۵/۱۱/۲۸  
New York Times, 7 March 1991

